



| روزنامه جوان | شماره ۶۴۸۱

واکاوی علل بلا تکلیفی و ناکامی تیم امید در گفت‌وگوی «جوان» با مهدی مناجاتی، مربی و پیشکسوت فوتبال

# باندبازی‌ها اجازه توجه به تیم امید را نمی‌دهد

**گفت‌وگو**
**شیوانورزی**

تبدیل شده است. پنج دهه است منتظریم معجزه‌ای شود تا شاید ما هم رنگ المپیک را ببینیم، اما با دل خوش کردن به اتفاقات، شانس و اقبال در فوتبال حرفه‌ای نمی‌توان پیشرفت کرد. با ما فاصله گرفته‌اند و فزاتر از قاره کهن ظاهر می‌شوند، علنش چیزی جز مدیریت صحیح و کار آمد و همچنین برنامه‌ریزی حرفه‌ای و بلندمدت نیست. متأسفانه در فوتبال کشورمان هیچ از این فاکتورها وجود خارجی ندارند و بابت همین خلا‌ها این رشته ضررهای سنگینی متحمل شده است. تیم فوتبال زیر ۲۲سال، همواره مورد بی‌مهری فدراسیون قرار گرفته است و آقایان نه تنها سرمایه‌گذاری روی این رده سنی نمی‌کنند بلکه با اتلاف وقت از انتخاب کادر فنی جدید نیز سر باز می‌زنند. در حالی‌که امیدها برای شکستن طلسم صعود به بازی تدار کاتی و اردوی تمر نی نیاز دارند ولی دو فبنیادی مهم در سال گذشته میلادی از دست رفته و در حال حاضر فبنیادی فروردین‌ماه در پیش است. با اینکه اهالی فوتبال و پیشکسوتان این رشته نسبت به تعطل و از دست دادن زمان طلایی هشدار داده و می‌دهند اما مدیریت فدراسیون عجله‌ای برای معرفی سرمربی جدید تیم المپیک ایران ندارد. با چنین شرایطی ظهور می‌توان انتظار داشت امیدها در مصاف با رقابیه قدرتمند آسیایی موفق به کسب سهمیه المپیک شوند، به همین پایه‌ها پای انتقادهای دلسوزانه مهدی مناجاتی، مربی و پیشکسوت فوتبال نشستیم.

■■■■

**بلا تکلیفی تیم امید تا چه زمانی ادامه خواهد داشت؟**

قصد تشکیل تیم امید را دارند اما هنوز خبری از انتخاب سرمربی نشده‌است!در حالی‌که سایر تیم‌ها نه تنها تکلیف کادر فنی‌شان مشخص است بلکه برنامه‌ریزی هم کرده و اسنارت کار را زده‌اند، منتها ما هنوز دنبال پیدا کردن مربی هستیم. عدم ثبات و ضعف‌های شدید مدیریتی ایراد بزرگ فوتبال ایران است. هر کسی مدیر می‌شود با دیگری مخالف است و برای مخالفت با همدیگر هر کاری انجام می‌دهند. **سال‌هاست با چنین مشکلاتی مواجه هستید، چه عواملی باعث نابسامانی در تیم‌های ملی شده است؟**
همه این نابسامانی‌ها از سوءمدیریت‌های بسیار زیاد نشئت می‌گیرد. کلاً انتخاب‌هایی که در فوتبال ما می‌شود ایراد دارد، مسئولیت‌های مختلف را بر عهده کسانی می‌گذارند که اصلاً تخصص ندارند. همان فرد غیر متخصص را به عنوان سرمربی انتخاب می‌کنند.

■■■■

بلا تکلیفی این روزهای تیم امید که ناشی از ناکار آمدی فدراسیون است درگاهی درجه ۲ به این تیم، تمدید طلسم حضور در المپیک را محتمل تر و صحبت‌های مهدوی کیا، آخرین سرمربی این تیم را یادآور می‌شود: «با این شرایط، تیم فوتبال امید ایران تا فوردگاه مهرآباد هم نمی‌تواند برود، چه رسد به پاریس!»

انتخاب مهدوی کیا، امید زسادی ایچاد کرد برای شکستن طلسمی که چیزی نمانده ۴۸ساله شود. مهدوی کیا در شرایطی سکان هدایت تیم امید ایران را به دست گرفت که دو تورنمنت مهم قهرمانی زیر ۲۳سال آسیا و البته بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی را پیش رو داشت. حضور مهدوی کیا روی نیمکت امیدها، انتظارات زیادی را ایچاد کرد. به نوبه، نگاه اصولی او به پایه‌ها و سال‌ها کار کردن در این حوزه اصلی‌ترین دلیل امیدواری‌های ایچادشده برای کسب موفقیت تیم ملی فوتبال امید بود، اما زمان زیادی نبرد تا کیا عطای نخستین روی نیمکت امیدها را به لقایش ببخشد و با ناکامی در رقابت‌های زیر ۲۳سال آسیا و انصراف از حضور در مسابقات کشورهای اسلامی به کار خود با امیدهای ایران پایان دهد.

■■■■

اگر چه بسیاری از کارشناسان که اهم آنها در مریان بازنشسته هستند، همواره بر این باور بودند که عملکرد مریان داخلی در تیم امید به مراتب بهتر از گذشته در راه صعود به المپیک ناکام باشد.

■■■■

واقع داستانی که امیدها با مهدوی کیا از سر

متأسفانه هیچ قانونی هم وجود ندارد و مسئولان به هیچ کس پاسخگو نیستند، به همین خاطر برای‌شان مهم نیست که چه کسی را انتخاب می‌کنند. **چرا حسرت صعودمان به المپیک ۵۰ساله شده است؟**
مشکل فنی نداریم بلکه بازیکنان ما سطح خوبی در آسیا دارند و حتی در اروپا هم لژیونرها بازی می‌کنند. متأسفانه باندبازی آقایان و تفکرات غیر حرف‌ای است که به فوتبال مان ضربه می‌زند. بسا همین تفکرات حاکم بر فوتبال ضربه جبران ناپذیری به تیم‌ها زده می‌شود، حتی آبروی کشورمان را نیز به خطر می‌اندازند.

**برای شکستن این طلسم چه کار باید کرد؟**

موفقیت‌ها لکمی به دست نمی‌آیند، اگر واقعاً می‌خواهیم گذشته را جبران کنیم، باید افراد متخصص را برای سمت‌های مهم به کار بگیریم. در گذشته بران خارج می‌در چه یک بار به ایران می‌آوردیم چراکه کلاس‌های مربیگری در کشورمان نداشتیم. بزرگانی مثل ریکوف و استانکو در فوتبال مان تحول ایجاد کردند و تغییرات مثبتی را به وجود آوردند، ولی این روند ادامه پیدا نکرد. مهم‌تر فوتبال مان تحول ایجاد کردن و تغییرات مثبتی را به وجود آوردند، ولی این روند ادامه پیدا نکرد. تصمیماتی می‌گیرند که فقط به نفع خودشان است. این نوع مدیریت به زمر این رشته تمام می‌شود. مربی یا سرمربیستی می‌آورد که به قول قدیمی‌ها حتی رویایی نیز زده است! همان افراد را به عنوان



## برای شکستن این طلسم چه کار باید کرد؟

**بازیکنان و مربیان خوب در کشور کم ندارندیم.**
سر مربی منتخب تنها کاری که باید انجام دهند این است که در باشگاه‌ها بچرخند و بازی‌های داخلی هم هستند نفراتی که بتوانند مسئولیت بزرگ امیدها را بر عهده بگیرند. مریان جوانی را داریم که توانایی‌های زیادی برای انجام کارهای مهم دارد.

**تغییرات مکرر روی نیمکت امید یکی از معضلات اصلی این تیم است.**
چرا هیچ مربی‌ای نمی‌تواند مدت طولانی به کارش ادامه دهد؟

به خاطر ضعف مدیریت فدراسیون است. آدم‌های کارکنندگی در فدراسیون نیستند که بتوانند کار را پیش ببرند و نظر بدهند، و گر نه یک بچه هم می‌داند مربی خوب کیست و می‌تواند سرمربی شود.

# ورزش‌ر

سرویس ورزشی ۸۸۶۹۸۴۲۲

**اگر قرار به همکاری با مربی خارجی باشد، باید به چه فاکتورهایی توجه کرد؟**

خارجی‌ای را که بهتر باج دهد، انتخاب می‌کنند! در حالی‌که خودمان بهترین مربیان را داریم و این هم یک ضعف دیگر است. سال‌هاست کار را به همین متوال پیش می‌برند و بدعت بدی گذاشته‌اند. اگر یک مدبری پیدا شود که به این بدعت‌ها پایان دهد، مطمئنتم همه مردم از عملکردش راضی خواهند بود.

**چرا هیچ وقت سرمایه‌گذاری لازم روی تیم‌های پایه و به ویژه تیم امید نشده است؟ به نظر می‌رسد مسد بیان فوتبال اهمیتتی برای رده‌های سنی قائل نیستند**

در حال حاضر که رسیدگی به رده‌های سنی به مراتب بهتر از امیدهاست، آنها حداقل مربی دارند، منتها این موضوع را باید در ضعف مدیریتی فدراسیون و باشگاه‌ها جست‌وجو کرد. فدراسیون موظف است از باشگاه‌ها، سرمایه‌گذاری در رده‌های پایه و داشتن تیم‌های پایه را بخواهد. اگر ما هم مثل سایر تیم‌های آسیایی به این مسئله توجه لازم را داشتیم، شرایط فوتبال‌مان بهتر از امروز بود.

**گوش شنوائی هم برای شنیدن انتقاد کارشناسان و دلسوزان وجود ندارد.**

همه ما می‌دانیم که کاری انجام نخواهد شد و فقط حرف زده می‌شود. می‌گویند این کار را می‌کنم، آن کار را می‌کنم و مریسی از برزیل می‌آورم ولی در نهایت کسی را انتخاب می‌کنند که حتی برای کار در استان‌ها نیز مناسب نیست و هیچ کس در ایران او را قبول ندارد، اما افرادی که مقبولیت لازم را ندارند، بدون در نظر گرفتن شایستگی سر از نیمکت تیم‌های پایه در می‌آورند! به همین خاطر است که عملکردمان هر سال نسبت به سال گذشته بسرفت می‌کند. با این شرایط دیگر هیچ چیزی از فوتبال ایران باقی نمی‌ماند.

**می‌توان به آینده تیم امید امیدوار بود؟**

قبلاً گفتم‌ا بازیکنان و مربیان خوب در کشور کم نداریم. سرمربی منتخب تنها کاری که باید انجام دهد این است که در باشگاه‌ها بچرخد و بازی‌ها را رصد کند، می‌تواند بهترین‌ها را به تیم دعوت کند. برگزاری اردوهای تدارکاتی و انجام دیدارهای دوستانه کمک بزرگی به امیدها خواهد کرد، منتها این مسائل به برنامه‌ریزی و مدیریت بستگی دارد. خوشبختانه باشمکل کمبود پتانسیل روبه‌رو نیستیم و بازیکنان متعصب‌زادی می‌توانند برای تیم امید به میدان بروند. فقط بحث مدیریتی است.

**آینده فوتبال ایران را چطور پیش‌بینی می‌کنید؟**

با این دست و پان هیچ امید بی‌ آینده فوتبال نیست. امیدواریم کادر فنی جدید بتواند گره از مشکلات تیم امید باز کند.

یک شنبه ۲ بهمن ۱۴۰۱ | ۲۹ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴ |

**نگاه**

## بی خیال تیم امید!

■ **فریدون حسن**

وقتی از تیم امید حرف زده می‌شود، یعنی دقیقاً تیمی که آینده فوتبال ملی است، یعنی آینده تیم بزرگسالان، یعنی همان تیمی که باید در روزهای فیفا بازی داشته باشد، برود در جام ملت‌های آسیا بازی کند و همان تیمی که باید برود جام جهانی.

تیم امید یعنی همین‌ها که گفتیم، یعنی تیم ملی آینده، حالا بماند که این تیم باید به المپیک برود و ابتدا خود را در بزرگ‌ترین آوردگاه ورزش جهان نشان دهد باینکه حداقل به بازی‌های آسیایی برود و آنجا عرض اندامی داشته باشد. تمام اینها که گفتیم بدیهیاتی است که همه در خصوص امیدهای فوتبال‌شان اجرا می‌کنند. رقبای آسیایی فوتبال ایران سال‌هاست با سرمایه‌گذاری روی تیم‌های امیدشان عملاً تیم‌های ملی بزرگسالان‌شان را تجهیز می‌کنند اما اینجا و در ایران امیدهای فوتبال سال‌هاست به حال خودشان رها شده‌اند. این روزها فدراسیون فوتبال مشغول کارهای دیگری است، در حالی‌که وظیفه اصلی آقایان انتخاب سرمربی برای تیم امید و تعیین تکلیف آن است اما مهدی تاج و رفقا فعلاً سر سفره فوتبال نشستند و می‌خواهند چیران دو سالی را که از سفره دور بوده‌اند، پکند، پس فعلاً بی‌خیال تیم امید، اصلاً المپیک یعنی چه؟

تاریخ فوتبال ایران روز‌هایی را به یاد دارد که بها دادن بـه فوتبال پایه و به خصوص جوانان و امیدها کاری رده‌بود که ایران در مسابقات آسیایی و منطقه‌ای با تیم دوم خود که مشکلات از همین جوانان و امیدها بود، شرکت می‌کرد و نتیجه هم می‌گرفت اما سیاست غلط فدراسیون فوتبال در تمام دهه‌های گذشته و توجه صرف به تیم ملی بزرگسالان به هر قیمت ممکن حالا کار را به جایی رسانده است که عملاً تیم‌های پایه فوتبال ایران هیچ حرفی برای گفتن ندارند و تازه این در شرایطی است که چنین تیم‌هایی اصولاً وجود خارجی داشته باشند، والا اوضاع از این هم بدتر می‌شود.

وضعیت امروز تیم فوتبال امید ایران یک نمونه فاجعه‌بار. در مقابل دیدگان همه است. تیمی که بعد از پایان قرارداد سرمربی سابقش دیگر تشکیل نشد! بازیکنانش با تیم دوم خود که مشکلات از همین جوانان و امیدها بود، شرکت کرد و از تیم ملی شکست‌خورد بزرگسالان نگاه برداشت، در خصوص سرمربی آینده آنها تصمیم‌گیری کند. حال و روز امروز تیم امید همان حال و روز آینده فوتبال ایران است؛ تیمی که بازیکنانش از همین الان خود را نیمکت‌نشین لژیونرهای تیم ملی می‌بینند و باید منتظر باشند تا آنها به نوعی از کوران مسابقه خارج شوند تا شاید بتوانند جای‌شان را بگیرند، یعنی در حالی‌که باید در قالب تیم امید به مصاف رقیبا بروند و آبدیده شوند، بدون سبوری کردن این مرحله به تیم ملی می‌رسند و نیمکت‌نشین لژیونرها می‌شوند.

طبیعی است که چنین پشتوانه‌های لرنزی به کار آینده فوتبال ایران نخواهند آمد و سر نوشتی جز شکست نصیب‌شان نخواهد شد. امیدهای فوتبال ایران این روزها در سایه سوءمدیریت حاکم بر فوتبال در حال وقت تلف کردن هستند. مسابقات مقدماتی و انتخابی المپیک نزدیک است و کشورهایی که می‌خواهند در فوتبال بزرگ‌ترین آوردگاه ورزش جهان حضور داشته باشند، از مدت‌ها قبل کارشان را شروع کرده‌اند و برنامه ریخته‌اند اما امیدهای ایران فعلاً منتظر معرفی سرمربی تیم‌شان هستند. بماند که بعد از معرفی هم حتماً زمان زیادی را دست خواهیم داد تا جانب بازی مریان بازیکنان را بشناسد و ببیند برای موفقیت و رسیدن به نتیجه مطلوب اصلاً از کجا باید کار را شروع کند.

### نوستالژی



از ستاره‌های دیروز تا بازیکنان امروز

## قهر فوتبال با المپیک

■ **حامد قهرمانی**

۴۷سال از آخرین حضور فوتبال ایران در المپیک می‌گذرد و با شرایطی که تیم فوتبال امید کشورمان این روزها با آن درگیر است، هیچ بعید نیست این انتظار به ۴۸سال هم برسد.

تیم امید ایران را بازیکنان جوان و جوانی نامی تشکیل می‌دهند که همین حالا هم اگر خوب دقت کنیم، متوجه می‌شویم در باشگاه‌ها و لیگ برتر از نفرات تأثیر گذار فوتبال ایران به شمار می‌روند، اما نگاهی به تاریخ تشکیل تیم امید به خصوص از ابتدای دهه ۶۰ تاکنون نشان می‌دهد تیم امید ایران نه امروز که همیشه ملولاً ستانگاری بوده که بعدها در تیم ملی در خسیده‌اند اما مدتی توجه به فوتبال پایه و نگاه غلط مدیران فوتبال در چهار دهه گذشته، نتیجه‌گرا بودن آنها آن هم فقط در رده بزرگسالان (که آن‌هم شکست خورده) باعث شده است تیم‌های امید ایران در تمام این سال‌ها به رغم برخورداری از ستاره‌های بزرگ ناکام بمانند. آنچه در پی می‌آید نگاهی کاملاً گذرا به چهار تیم امید ایران در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ است؛ تیم‌هایی ملول از ستارگان جوان آن روزگار فوتبال ایران که هیچ کدام رنگ المپیک را ندیدند.

در سال ۱۳۷۱ تیم امید برای حضور در مسابقات المپیک ۱۹۹۲ بارسلون با حضور ستارگانی چون افشین پیروانی، رضا شاهرودی، یحیی گل محمدی، خداداد عزیزی، بهزاد داداش‌زاده، میرشاد ماجدی، حسین خطیبی، رضا رضایی‌منش و با هدایت حسن حبیبی تشکیل شد اما در صعود به المپیک ناکام بود.

سال ۱۳۷۵ اوضاع تغییری نکرد و تیمی که می‌خواست خود را با هدایت یورگن گکه آلمانی به المپیک ۱۹۹۶ اتلانتا برساند، با وجود ستاره‌هایی چون مهدی مهدوی کیا، کریم باقری، مهرداد میناوند، مهدی پاشازاده، نیما نکسیا، ادموند بزریک، اسماعیل حاللی، علی آذری، احمد مؤمن‌زاده، فرهاد مجیدی و علی لطیفی باز هم از رسیدن به المپیک بازماند.

چهار سال گذشت و باز هم ایران براسیامه خود را برای المپیک آماده کرد. این بار مهدی مناجاتی بازیکنان را جمع کرد تا ایران به المپیک ۲۰۰۰ میلادی برسد اما حتی حضور مهدی مهدوی کیا، حامد کلواییپور، جواد نکونام، علی سلمه، فراز قاطمی، علیرضا نیکبخت‌واحدی، مهدی امیرآبادی، محسن گیانی‌نیا، علی انصاریان و رسول خطیبی هم نتوانست گره کار ایران را باز کند.

برای المپیک ۲۰۰۴ اتن کار به حسین فرکی سپرده شد تا او با بازیکنانی چون ایمان مبعلی، جواد کاظمیان، سیواش اکبرپور، سیدستر زارع، جلال کلمی، مسعود شجاعی، مجتبی جباری، آر.ش برهانی، امیر حسین صادقی، مهدی رحمتی و حسین کعبی ایران را المپیک کند اما باز هم همان داستان حذف تکرار شد.

نیز عیناً در حال تکرار است.

■■■■

مسابقات انتخابی المپیک ۲۰۲۴ پاریس قرار است شهریورماه سال آینده برگزار شود، یعنی کادر فنی جدید تیم امید ایران اگر حتی امروز هم انتخاب شود، فقط هشت ماه فرصت دارد بتواند تیمش را برای حضور در مسابقات انتخابی المپیک آماده کند. البته بخش مهمی از این هشت ماه با برگزاری مسابقات لیگ برتر به پایان خواهد رسید و فرصت چندانی برای آماده‌سازی تیم امید ایران وجود ندارد، اما آقایان به رغم آنکه مدعی هستند سرعت و دقت، دو لولوت مهم آنها در انتخاب کادر فنی امیدها و دیگر تیم‌های ملی فوتبال ایران است، هنوز حتی نیم‌نگاهی نیز به نیمکت فوتبال امید ندارند و از تمام تیمی که قرار است هشت ماه دیدگی برای شکستن طلسم حضور در المپیک به میدان برود، تنها سربست آن مشخص است! حبیب کاشانی، همان شخصی که در مسیر کسب سهمیه المپیک ریبو نیزسخت کنار خاکپور و مالیی کهن بود اما برخلاف سایر نفرات کادرفنی نه کلاری در خصوص ناکامی این تیم به زسان آورد و نه حتی عذرخواهی کرد. حالا اما به دلایلی کاملاً نامعلوم که هیچ منطقی در آن یافت نمی‌شود، قبل از سرمربی و روشن شدن تکلیف تیم، به عنوان سربست امیدها برگزیده شده است تا باز هم ثابت شود فدراسیون نشین‌ها هر گز نگاهی حرف‌های، جدی و درجه یک به امیدها ندارند و در این شرایط، این سؤوال پیش می‌آید که چرا باید توقع داشته باشیم جای تیم‌هایی چون ژاپن، کره جنوبی، استرالیا یا حتی قطر که برنامه‌ریزی‌های حساب‌شده‌ای برای توسعه و پرورش فوتبال پایه خود داشته‌اند، جواز حضور در المپیک را بگیریم و حتی رؤسای قبلی فدراسیون شرایطی به شکسته منوال داشتند و همواره به دلیل نگاه غیر حرف‌های و غیرمسئولانه فدراسیون‌نشین‌ها در انتخاب، زمان آن مهیا کردن شرایط برای کسب موفقیت بوده که متضرر شده و ناکام مانده‌اند! اتفاقی که امروز